

استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی

مصرف غذای مشکوک

س)اگر از پاک بودن آشپز اطمینان نداشته باشیم و ندانیم که اهل غسل هست یا خیر، آیا می‌توان از غذایی که طبخ کرده است، میل کرد؟
ج)به طور کلی تا یقین به نجاست غذا نداشته باشید، اجتناب از آن لازم نیست.

خون در تخم مرغ

س)آیا تخم مرغ‌های رسمی که در آن خون است خوردن آن اشکال دارد؟
حکمش چیست؟
ج) خون داخل تخم مرغ نجس نیست ولی خوردنش جایز نمی‌باشد، می‌توان آن را از تخم مرغ جدا کرده و تخم مرغ را مصرف کرد.

نشستن کنار سفره شراب

س)آیا می‌توان کنار سفره‌ای که شراب وجود دارد، غذا خورد ولی به شراب دست نزد؟
ج) خوردن از سفره‌ای که در آن شراب گذاشته شده، مطلقاً حرام است.

خوردن در خانه بی‌نماز

س)آیا در خانه‌ای که خانواده آن نماز نمی‌خوانند می‌توان چیزی خورد؟
ج) خوردن غذا در خانه مذکور بی‌فحشه اشکال ندارد.

خوردن میوهٔ باغ مردم

س) در گذشته از میوهٔ باغ مردم خوردم. الان پیدا کردن صاحب باغ تا حدّی دشوار و مشقت دارد؛ با این توصیف، تکلیف من چیست؟
ج)در فرض مذکور، باید از صاحب باغ و اگر از از دنیا رفته از ورثه او حالیت طلبید و مجزّه پیدا کردن صاحب مال با مشقت و دشواری، موجب ترک این تکلیف نمی‌شود.
بله اگر از پیدا کردن ایشان مایوس هستید، به مقداری که مدیون شده‌اید، از طرف آنها به فقیر متدین، صدقه بدهید. البته توجه داشته باشید، خوردن از میوه‌های درخت یا شاخه در کنار جاده اشکال ندارد، مشروط به اینکه:
اولاً به قصد استفاده از میوه به آن مسیر رفته باشد و ثانیاً به درخت، آسیب نرسانده و شاخه‌های آن را نشکنند و ثالثاً همان جا میوه را خورده و با خود نبرد.

خوردن تربت سیدالشهداء

بدون قصد درمان

س)خوردن تربت سیدالشهداء(ع) بدون قصد درمان چه حکمی دارد؟ اگر در آب حل کنیم و رنگ آب عوض شود چطور؟

ج)خوردن تربت قبر شریف حضرت سید الشهداء(ع)، به نیت شفاء و به مقدار یک نخود متوسط، اشکال ندارد، اما اگر قصد استفاده نباشد و به صورت گل یا گل خشک شده باشد جایز نیست و در هر صورت اگر در آب مستهلک شود اشکال ندارد.

معدن‌های انسانی را کشف کنیم

ما گاهی روی ملت‌های دیگر این‌طور حساب می‌کنیم، وقتی هنر و فنون آنها را می‌بینیم، جامعه آنها را می‌بینیم، رفتار آنها را می‌بینیم خیال می‌کنیم ما کی نوع سرشت داریم و آنها سرشت دیگری دارند. مثلاً تا اسم آلمانی‌ها برده می‌شود می‌گویند: آقا این آلمانی‌ها یک مغزهایی دارند. واقعاً خیال می‌کنیم که اصلاً ساختمان مغز آلمانی‌ها با ساختمان مغز ما ایرانی‌ها از زمین تا آسمان تفاوت دارد؛ اصلاً آنها یک جور به دنیا آمده‌اند و ما جور دیگری به دنیا آمده‌ایم.

یک ملت اگر بخواهد زندگی کند نیاز به انواع سرمایه‌ها دارد که یکی از آنها سرمایه‌های اقتصادی است. ولی کدام سرمایه از همه سرمایه‌ها بالاتر است؟ سرمایه انسانی. هر انسان برای خودش یک معدنی است و به اندازه معدن فیروزه و طلا ارزش دارد. اگر ملتی این رمز به دستش آمده باشد، دستش آمده باشد، این معمار حل کرده باشد، این توانایی و توفیق را پیدا کرده باشد که بتواند از انسان‌هایش استفاده کند و آنها را بسازد، گرچه آن ملت هیچ چیز نداشته باشد، ولی هم آثار آن استفاده‌ها هم می‌گردد. کار گرفته نمی‌شود، ساخته نمی‌شود. استعدادهای بی‌شماری به وجود می‌آید و در اثر مورد استفاده قرار نگرفتن و ساخته نشدن، در همهٔ مثلاً پشت یک گاو و یا در زراعت، خاک می‌شود. بوعلی‌سیناها به دنیا می‌آیند ولی الفبا را هم یاد نمی‌گیرند و بعد یا چه وضعی تا آخر عمر زندگی می‌کنند و حتی خودشان هم خودشان را نمی‌شناسند و از دنیا می‌روند. یک ملت اگر بخواهد زندگی کند نیاز به انواع سرمایه‌ها دارد که یکی از آنها سرمایه‌های اقتصادی است. ولی کدام سرمایه از همه سرمایه‌ها بالاتر است؟ سرمایه انسانی. هر انسان برای خودش یک معدنی است و به اندازه معدن فیروزه و طلا ارزش دارد. اگر ملتی این رمز به دستش آمده باشد، این معمار را حل کرده باشد، این توانایی و توفیق را پیدا کرده باشد که بتواند از انسان‌هایش استفاده کند و آنها را بسازد، گرچه آن ملت هیچ چیز نداشته باشد، ولی هم آثار آن استفاده‌ها هم می‌گردد. این کشورهای اروپایی این طور هستند. مثلاً انگلستان یک کشور تهی و خالی است که نمکش را به ارزش یک چیز پی برده است، به ارزش ساختن افراد خودش؛ این معدن‌های انسانی را خوب کشف کرده‌اند. وقتی این معدن‌ها را استخراج و آماده می‌کنند دیگر باک ندارند که هیچ چیز ندارند و همه چیز باید از بیرون بیاید. می‌گویند ما آدم داریم، آدم که داریم همه چیز داریم ولی اگر آدم نداشته باشیم هیچ چیز نداریم.

اگر این طور است که نژاد آنها با ما این‌قدر تفاوت دارد باید تا آخر دنیا همیشه آنها آقا باشند و ما پنده و نوکر باشیم و اصلاً از اول دنیا هم باید همین‌طور می‌بود، آن‌ها نژاد آقا می‌بودند و ما نژاد نوکر؛ در صورتی که این‌طور نیست.

اگر کشی قرن به عقب برگردیم می‌بینید قضیه برعکس بوده است. آنها اگر تفاوتی دارند تفاوتشان در این است که در قسمت‌های فنی انسان‌هایی ساخته شده هستند و ما انسانهای خام و ساخته نشده‌ای هستیم؛ از میان استعدادهایی که در وجود ما نهفته است یک هزارم آن استفاده‌ها هم به کار گرفته نمی‌شود، ساخته نمی‌شود. استعدادهای بی‌شماری به وجود می‌آید و در اثر مورد استفاده قرار نگرفتن و ساخته نشدن، در همهٔ مثلاً پشت یک گاو و یا در زراعت، خاک می‌شود.

بوعلی‌سیناها به دنیا می‌آیند ولی الفبا را هم یاد نمی‌گیرند و بعد یا چه وضعی تا آخر عمر زندگی می‌کنند و حتی خودشان هم خودشان را نمی‌شناسند و از دنیا می‌روند.

یک ملت اگر بخواهد زندگی کند نیاز به انواع سرمایه‌ها دارد که یکی از آنها سرمایه‌های اقتصادی است. ولی کدام سرمایه از همه سرمایه‌ها بالاتر است؟ سرمایه انسانی. هر انسان برای خودش یک معدنی است و به اندازه معدن فیروزه و طلا ارزش دارد.

اگر ملتی این رمز به دستش آمده باشد، این معمار را حل کرده باشد، این توانایی و توفیق را پیدا کرده باشد که بتواند از انسان‌هایش استفاده کند و آنها را بسازد، گرچه آن ملت هیچ چیز نداشته باشد، ولی هم آثار آن استفاده‌ها هم می‌گردد. این کشورهای اروپایی این طور هستند. مثلاً انگلستان یک کشور تهی و خالی است که نمکش را به ارزش یک چیز پی برده است، به ارزش ساختن افراد خودش؛ این معدن‌های انسانی را خوب کشف کرده‌اند. وقتی این معدن‌ها را استخراج و آماده می‌کنند دیگر باک ندارند که هیچ چیز ندارند و همه چیز باید از بیرون بیاید. می‌گویند ما آدم داریم، آدم که داریم همه چیز داریم ولی اگر آدم نداشته باشیم هیچ چیز نداریم.

✽ استاد شهید مطهری، آشنایی با قرآن، ج۷، ص۵۲

در برابر مصیبت‌ها و سختی‌های بزرگ زمانه -مانند جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل علیه ایران- انسان مؤمن به سلاحی مجهز است که دیگران از آن بی‌بهره‌اند: سلاح «ایمان». این ایمان، صرفاً یک باور قلبی نیست؛ بلکه یک نقشه راه کامل است که نگاه انسان به حوادث، واکنش او و سرنجامش را شکل می‌دهد. قرآن کریم که کتاب هدایت برای تمام زمان‌ها است، با بیان سته‌های الهی و داستان‌های عبرت‌آموز، به ما می‌آموزد که چگونه در این کوران حوادث، مؤمنانه زندگی کنیم و سربلند بیرون آییم. در ادامه، بر اساس هشت اصل کلیدی، این راه و رسم را بررسی می‌کنیم.

اولین و بنیادی‌ترین گام در مواجهه با هر سختی، تغییر زاویه دید است. از منظر ایمانی، هیچ رویدادی در این عالم، بی‌هدف و تصادفی نیست. تمام فراز و نشیب‌ها، به‌ویژه مصیبت‌های بزرگ، میدان آزمونی برای سنجش عیار و ایمان انسان‌هاست. خداوند در قرآن بصراحت این سنت را بیان می‌کند که: «شما را با پدیده‌ها و خوبی‌ها آزمایش می‌کنیم.» (هدف این آزمون، صرفاً ایجاد

نکته اول: جنگ به مثابه امتحان الهی

در نهایت، خداوند همه چیز را به شکلی بهتر به ما بازگرداند. ^(۱) از سوسو بندگان است: «آن کسی که مرگ و حیات را آفرید تا شما را برایمبارک کند که کدام یک از شما بهتر عمل می‌کنید.»(سوره بقره، آیه ۲۱۰)
امتحان حضرت ابراهیم(ع) با پنج فرزندش(اسماعیل(ع)،عبد، ابن فرمان، در ظاهر، یک «شر» و یک مصیبت غیرقابل تحمل بود، اما در باطن، آزمونی برای سنجش تسلیم‌محض ابراهیم(ع) در برابر پروردگار بود. واکنش حضرت، او را به مقایسه رساند که الگوی تمام موحان تاریخ شد. در مواجهه با جنگ نیز، نگاه اول مؤمن این است که این صحنه، میدان آزمونی برای نمایش بهترین عمل است.

نکته دوم: بهترین واکنش، کسب رضایت خدا
وقتی دانستیم که در یک امتحان قرار داریم، سؤال بعدی این است که بهترین واکنش چیست؟ پاسخ در هدف غایی خلقت نهفته است: رسیدن به مقام قرب و رضایت‌الهی در سختی‌ها. انسان‌ها واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهند: برخی جزع‌وفزع می‌کنند، برخی تسلیم دشمن می‌شوند و برخی به دنبال منافع شخصی می‌روند. اما انسان مؤمن، تنها به یک چیز می‌اندیشد: انجام کاری که خدا از او راضی باشد. هدف نهایی انسان مؤمن، رسیدن به آن رضایت و جایگاهی است که خداوند او را این گونه خطاب کند: «تو! این مصلحت‌طلب! بسوی پروردگارت بازگرد در حالی‌که هم تو از او خوشودی و هم ما می‌آموزد که در برابر فشار دشمن، دوطرفه، در کوران سختی‌ها به دست می‌آید. در داستان اصحاب اخود^(۲)، مؤمنان در برابر حاکمی ستمگر قرار گرفتند که آنها را میان خدمت کشیدن از ایمان و سوختن در آتش مجبور کرد. واکنش آن‌ها می‌توانست ترس و انکار (نگار برای حفظ جان باشد، اما آنها «حسن‌علا» را انتخاب کردند: شهادت برای کسب رضایت خدا. این داستان به ما می‌آموزد که در برابر فشار دشمن، معیار اصلی برای هر تصمیم و واکنشی، کسب رضایت پروردگار است، حتی اگر به قیمت از دست دادن جان و مال باشد.

نکته سوم: صبر، کسب قدرت بیرونی و مهارت ناشی
هیچ امتحانی بدون صبر به سرانجام نیکو نمی‌رسد. صبر در نگاه دینی، به معنای انفعال و روی دست گذاشتن نیست؛ بلکه پایداری، استقامت و حفظ روحیه در عین تلاش و اقدام است. خداوند بصراحت، پیروزی و فشار را برای صابران تضمین کرده است: «ببین، همه شما را با آوری همچون ترس، گرسنگی و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها آزمایش می‌کنیم؛ و بشارت‌ده می‌صابران.» (الگوئی بی‌بدیل این فضیلت، حضرت ابراهیم(ع) است که تمام دارایی، فرزندان و سلاطنی خود را در یک امتحان سخت از دست داد، اما هرگز از رحمت خدا ناامید نشد و زین به شکایت نگشود. او با پایداری و استقامت، این دوران سخت را گذراند و

شبهه: چرا عده‌ای از تاریخ طبری برای خراب کردن

اعتقاد اسلامی شیعیان استفاده می‌کنند:این کتاب معتبر است یا خیر؟
چطور میشه به نوشته‌های یک کتاب گفت درست یا نادرست؟
پاسخ: تاریخ طبری کتابی است که توسط محمد بن جریر بن یزید طبری (درگشت ۳۱۰ ق) در اواخر قرن سوم نوشته شده است. نام کامل آن «تاریخ الزیلول والامم والملوک» است که با تاریخ الطبری معروف شده است. این کتاب از معروفترین کتابهای تاریخ اسلام است که از آغاز خلقت جهان تا حدود سال ۳۲۰ ق را در بر می‌گیرد. تألیف این کتاب در سال ۲۰۰ ق به پایان رسیده است.

بهترین سخن در مورد طبری آن است که گفته شود، کتاب طبری روزنامه نیست، بلکه کتابی است تخصصی که تنها متخصص تاریخ می تواند گزارش های صحیح و غلط آن را تشخیص دهد.

اعتبار تاریخ طبری:
(الف) تاریخ طبری نسبت به دیگر کتاب‌های زمان خود جامع است، همان مطالبی که یعقوبی در دو جلد گنجنامه طبری در بیش از ده جلد روایت کرده است، این خود گویای جامعیت این کتاب است. اگر در یک مجاز یعقوبی و امثال وی در گزارش نقل کرده‌اند، طبری ده گزارش نقل می‌کند، اما همین امر باعث شده که اعتبار آن برزش کند، زیرا هر چه گزارش‌ها بیشتر شود، خود اعتبار کمتر خواهد شد. طبری خود به مقدمه بیان می‌کند: «آنچه در این کتاب جمع‌آوری شده همگی صحیح نیست و آن‌ها از افراد مختلف شنیده و جمع‌آوری کردم. شاید در آن چیزهایی باشد که با خلف تاریخ‌شده، اما این سخنان من نیست و من فقط آنها را جمع‌آوری کردم.» (۱)
این گویای آن است که حتی خود طبری همه مطالب کتابش را قبول نداشته و فقط درصدد جمع گزارش‌های متعدد بود؛ زیرا وقتی در این ماجرا دو گزارش نقل می‌شود که صد و هشتاد درجه تمام تفاوت دارند، چگونه نویسندگی می‌تواند هر دو آنها را قبول داشته باشد. برای مثال کسب مأمور می‌شود تا در یک روزی شهری، گزارش‌های متعدد را جمع‌آوری کند، به سراغ شخصی می‌رود که این کارش را به بهترین وجه می‌تواند انجام دهد. طبری در این مورد نظر خود را به سمع گزارش‌نویس می‌رساند، گزارش‌نویس به سراغ خاتران رفته و هر کدام از بگاده خود به بیان واقعه می‌دارند، گزارش‌های جمع‌آوری شده، گاهی ۱۸۰ درجه با هم فرق دارد

معارفMaarefKayhan@Kayhan.ir

نگاه ایمانی به سختی‌های بزرگ



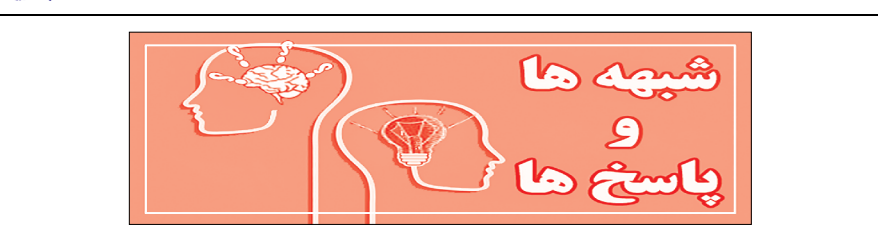
نکته پنجم: مقاومت، تلاش، استمرار و بهرگیری از اسباب

ایمان به خدا و اعتماد به رهبری هرگز به معنای نفعی تلاش و استفاده از ابزار و امکانات مادی نیست. مؤمن، ضمن توکل بر خدا، موظف است با تمام توان و با استفاده از علوم‌و فناوری، برای دفاع از خود آماده شود. در قرآن، خداوند از مؤمنان می‌خواهد که هر آنچه در توان دارند برای مقابله با دشمن آماده کنند: «و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو او نفرت و ساز و برگ جنگی و اسبان و زبیده برای جنگ! آماده کنید.»(سوره بقره، آیه ۱۶۷)
داستان زکریا(ع) و یونس(ع) در قرآن نمونه بارز این رویکرد است. وقتی مردم از او برای مقابله با قوم باجوج‌وماجوج یاری خواستند، او به دعا و انتظار معجزه اکتفا نکرد، بلکه فرمود: «آنچه پروردگار مرا در آن تمکن و قدرت داده از مردم شما! بهتر است؛ پس شما مرا با نیرویی یاری دهید! آنا میان شما و آنان سدی سخت و استوار قرار دهم.» (۱)

او از مردم خواست قطعات بزرگ آهن بیاورند و با استفاده از دانش مهندسی و تلاش جمعی، سد نفوذناپذیری ساخت. این داستان نشان می‌دهد که در برابر جنگ و تهدید، مؤمن باید فعالانه به میدان بیاید و از تمام ظرفیتهای علمی و صنعتی برای ساختن یک دفاع مستحکم بهره گیرد.

نکته ششم: امید به امداد غیبی
مؤمن درعین‌حال که از تمام اسباب مادی بهره می‌برد، قلبش متصل به منبع لایزال قدرت الهی است. او می‌داند که نتیجه‌ی نهایی را اراده خداوند رقم می‌زند و در سخت‌ترین شرایط، نباید امید خود را به نصرت و امداد غیبی از دست بدهد. خداوند بارها در قرآن وعده داده است که اگر مؤمنان وظیفه خود را انجام دهند، او آنها را با نیروهای که نمی‌بینند یاری خواهد کرد: «و بی‌تردید خدا در آنچه این‌بار شما را یاری داد، درحالی‌که از نظر سایرورگ جنگی و سایر فرات نسبت به دشمن ناتوان بودید.»(۲)
در جنگ بدر، سپاه اسلام یکسوم سپاه کفر بود و از نظر تجهیزات نظامی به‌هیچ‌وجه قابل‌مقایسه نبود. تمام محاسبات مادی، حکم به شکست قطعی مسلمانان می‌داد. اما مؤمنان با توکل بر خدا و اطاعت از پیامبر(صلی‌الله علیه و آله) به میدان رفتند و خداوند با فرستادن فرشتگان و ایجاد ترس در دل دشمنان، پیروزی بزرگی را برایشان رقم زد. این واقعه تاریخی به ما یادآوری می‌کند که هرگز نباید از عظمت ظاهری دشمن مانند نواهای هواپیما و تجهیزات پیشرفته ترسید؛ زیرا قدرت حقیقی از آن خداست و او قادر است از راهایی که به محاسبه در نمی‌آید، مؤمنان را یاری کند.

وقتی بنی اسرائیل به رهبری حضرت موسی(ع) از دست فرعونیان گریختند، به رود نیل رسیدند. دشمن پشت سر و رود پیش رو بود. یارانش فریاد زدند که ما در دام افتادیم. در این لحظه، منطق انسانی حکم به تسلیم یا نابودی می‌داد. اما موسی(ع) با اطمینان به وعده الهی، فرمان «دل به دریا زن» را صادر کرد. نتیجه این اعتماد مطلق به رهبر الهی، شکافته شدن دریا و نجاتی معجزه‌آسا بود. این داستان به ما می‌آموزد که در بحبوحه جنگ، زمانی که همه راه‌ها بسته به نظر می‌رسد، باید به پیشوای زمانه اعتماد کرد و با وحدت کلمه، فرامین او را اجرا نمود.



اعتبار تاریخ طبری

(ب) علاوه بر آن، نکته دیگری که از اعتبار تاریخ طبری می‌توان

تعصب مذهبی وی است. تعصب مذهبی و باعث شده برخی از گزارش‌ها را نتواند نقل کند، برای نمونه درباره واقعه غدیر سکوت کرده و هیچ اشاره‌ای به حدیث غدیر نکرده است. (۱) اما پس از آنکه با برخی از جنبه‌های مشکل پیدا می‌کند کتاب با نام «الولایه» در دو جلد تألیف می‌کند و اسناد خود را در آن قرار می‌دهد. این خود گویای تعصب مذهبی وی است که نتوانسته چنین اطلاعاتی را حتی در حد اشاره در کتاب تاریخ خودش نقل کند. بنا بر تحقیقات انجام شده طبری در حد نیاز کاری در متن کتابش به کار برده است؛ ازجمله پنهان کاری در مجاری یوم الاثثار و نامه محمد بن ابی بکر به معاویه و اختلاف معاویه با ابوبکر که منجر به تنبید ابوبکر شد است. (۲) وی در مجاری قبل عثمان بصراحت می‌گوید: «قسمتی را بیان نکردم که زشت است و یاد کردن آن را خودم نداشت.» (۳) نیز در جای دیگر در مورد همین ماجرا می‌گوید: «بسیاری از مسلمانی را که قاتلان وی دستاویز گشتنش کردند بیان کردم و بسیاری را نقل نکردم، چرا که به دلایلی عیان آن را لازم می‌نمود.» (۴)

ج) مشکل دیگر تاریخ طبری زیاده‌روی در پذیرش اسرائیلیات و اسرائیلیسم است. (۵) این مشکل بیشتر در جلد اول که تاریخ جهان از مسیح تا تاریخ طبری، ۷۰۰ روایت درباره وقایع سال‌های ۱۱ تا ۲۷۶ هجری (دوران خلافت ابوبکر، عمر و عثمان) از طریق پنج روی ضعیف (السری بن اسماعیل کوفی، السری بن عاصم، شعیب بن ابراهیم کوفی، سیف بن عمر و یزید القفقسی) نقل شده است و این موضوع باعث شده حقائق تاریخی آن دوران به گونه‌ای وارونه جلوه داده شوند. (۶)

نکته‌ای که از اعتبار تاریخ طبری می‌کاهد تعصب مذهبی مؤلف است. تعصب مذهبی وی باعث شده برخی از گزارش‌ها را نتواند نقل کند، برای نمونه درباره واقعه غدیر سکوت کرده و هیچ اشاره‌ای به حدیث غدیر نکرده است؛ اما پس از آنکه با برخی از جنبه‌های مشکل پیدا می‌کند کتابی با نام «الولایه» در دو جلد تألیف می‌کند و اسناد غدیر را در آن می‌آورد.

نکته هفتم: واکناری نتیجه به خداوند (توکل)

تراج این بنسای ایمانی، توکل است. توکل بسه معنای نایده‌گرفتن اسباب نیست؛ بلکه نقطه لاج‌پهره‌گیری از آنهاست. پس از آنکه مؤمن نیت خود را خالص کرد، صبر ورزید؛ از رهبری خداوند کرد، با تمام توان به میدان آمد و قلبش را به امداد غیبی امیدوار نگه داشت؛ به این مرحله از آماش‌بخش می‌رسد او می‌داند که وظیفه‌اش تنها تلاش و انجام تکلیف است، نه تضمین نتیجه اینجاست که سنت الهی معنا می‌یابد: «و هر کس بر خدا توکل کند، خدا امر او را کفایت می‌کند.» (۱)
همان‌طور که حضرت نوح(ع) پس از ۹۵۰ سال دعوت خستگنی‌ناپذیر و تحمل تمسخرها، باذقت تمام کشتی را - که که اوج به‌کارگیری اسباب مادی بود- ساخت؛ اما در نهایت، نتیجه و سرنوشت خود و اندک مؤمنان را به امواج سپرد و به خدا واگذاشت کرد. (۲)
و به امر الهی، اسباب نجات را فراهم آورد و تقدیر نهایی را به مسبب‌الاسباب سپرد. این نگاه، بار سنگینی خردکننده «برائی برای نتیجه» را از دوش مؤمن برمی‌دارد. ازاین‌رو، نه از فتح مغرور می‌شود و نه از شکست ظاهری مأیوس می‌گردد؛ زیرا امید از پیروزی واقعی، انجام وظیفه بوده و پاداش او نزد پروردگار محفوظ است. این

در شرایط جنگی که با ترس، کمبود و از دست دادن عزیزان همراه است صبر ایوب‌وار یعنی حفظ امید، استقامت در مسیر حق و عدم تزلزل در ایمان.

همان آرامش عمیقی است که او را در شرایط سخت جنگی،

استوار و مصمم نگه می‌دارد.

نکته هشتم: سنت الهی در غلبه اسباب کوچک
اصل راهبردی و تمکیمی در این نگاه ایمانی، درک سنت الهی در غلبه اسباب ظاهراً کوچک بر عوامل بزرگ و قدرتمند است. قرآن این قاعده شگفتانگیز را در داستان‌های متعددی به تصویر می‌کشد. در نبرد سپاهیان غلالت، ابن حضرت داوود(ع) بود که با یزاری ساده همچون فلاخن و سنگی کوچک، جالوت، قهرمان شکستناختن دشمن را از پای درآورد. قرآن نیز برای تأکید بر منشأ اصلی قدرت، می‌فرماید: «[نگاه به خواست خدا، این سپاه دشمن را به شکست واداشتند و داوود، جالوت را کشت.» (۱)
نمونه اعجاب‌انگیزتر آن، داستان اصحاب فیل است. سپاه عظیم ابرهه، با فیل‌های جنگی که نماد قدرت مطلق و تجهیزات برتر زمانه خود بودند، در برابر پرسندگان کوچکی به نام ابلیس که سنگریزه‌هایی حمل می‌کردند، به کلی نابود شد. (۲)
در مواجهه با قدرت‌های جهانی نیز مؤمن نباید تحت تأثیر ترس افتد. این جنگنده‌های نسل پنجم با هیبت تکنولوژیک دشمن قرار گیرد. اما با تکیه بر سنت‌های الهی می‌تواند که همین خداوند، ذهن پندهنان و فرستادگان را بر طاری پهلپاهای اقتصادی و شیوه‌های نوین بر تراتب رهنمون می‌سازد تا بر پیچیده‌ترین سامانه‌های دفاعی دشمن فائق دند و ضربات مهلکی بر آنان وارد کند.
نیز این باور، خلاقیت مؤمن را در عرصه نبرد تقویت می‌سازد و او را از محدودیتهای محاسبات مادی و عددی رها می‌کند.

نتیجه:
بنابراین، نگاه ایمانی چارچوبی منسجم و قدرتمند برای مواجهه با حوادث مختلف مثل جنگ الاری می‌دهد. از این منظر، مؤمن جنگ تحمیلی را میدان آزمون الهی برای نمایش «حسن عمل» و کسب رضایت پروردگار می‌داند. واکنش او تا ترکیبی است از صبر و مقاومت فعال، وحشت کلمه ذیل رهبری الهی و بهره‌گیری از تمام اسباب مادی و علمی برای دفاع مستحکم در برابر متجاوز. بااین‌حال، قلب او به امداد غیبی امیدوار است و با توکل، نتیجه را خداوند وامی‌گذارد و از اضطراب رها می‌شود. این نگاه با آنکا به سنت الهی در غلبه اسباب کوچک بر قدرت‌های بزرگ، هم‌سو می‌باشد که در هر اسر تجویزات دشمن رهایده و به او آرامش و بصیرتی می‌بخشد که پیروزی حقیقی را در انجام تکلیف الهی می‌داند، نه صرفاً نتیجه ظاهری نبرد.

پی‌نوشت‌ها:
۱- انبیاء- ۲۵، ۲- ملک- ۲، ۳- فرائد- ۲۸، ۴- بروج- ۴، ۵- بقره- ۱۵۵، ۶- انبیاء- ۸۲، ۷- شوره- ۶۲، ۸- همان- ۱، ۹- انفال- ۶، ۱۰- نکهت- ۱، ۱۱- همان- ۱۲، ۱۲- طلاق- ۱، ۱۳- یونس- ۱۱، ۱۴- بقره- ۱۵، ۱۵- فیل- ۱، ۱۶- همان- ۲۵، ۱۷- بقره- ۱۵، ۱۸- بقره- ۲۵، ۱۹- بقره- ۲۵، ۲۰- بقره- ۲۵، ۲۱- بقره- ۲۵، ۲۲- بقره- ۲۵، ۲۳- بقره- ۲۵، ۲۴- بقره- ۲۵، ۲۵- بقره- ۲۵، ۲۶- بقره- ۲۵، ۲۷- بقره- ۲۵، ۲۸- بقره- ۲۵، ۲۹- بقره- ۲۵، ۳۰- بقره- ۲۵، ۳۱- بقره- ۲۵، ۳۲- بقره- ۲۵، ۳۳- بقره- ۲۵، ۳۴- بقره- ۲۵، ۳۵- بقره- ۲۵، ۳۶- بقره- ۲۵، ۳۷- بقره- ۲۵، ۳۸- بقره- ۲۵، ۳۹- بقره- ۲۵، ۴۰- بقره- ۲۵، ۴۱- بقره- ۲۵، ۴۲- بقره- ۲۵، ۴۳- بقره- ۲۵، ۴۴- بقره- ۲۵، ۴۵- بقره- ۲۵، ۴۶- بقره- ۲۵، ۴۷- بقره- ۲۵، ۴۸- بقره- ۲۵، ۴۹- بقره- ۲۵، ۵۰- بقره- ۲۵، ۵۱- بقره- ۲۵، ۵۲- بقره- ۲۵، ۵۳- بقره- ۲۵، ۵۴- بقره- ۲۵، ۵۵- بقره- ۲۵، ۵۶- بقره- ۲۵، ۵۷- بقره- ۲۵، ۵۸- بقره- ۲۵، ۵۹- بقره- ۲۵، ۶۰- بقره- ۲۵، ۶۱- بقره- ۲۵، ۶۲- بقره- ۲۵، ۶۳- بقره- ۲۵، ۶۴- بقره- ۲۵، ۶۵- بقره- ۲۵، ۶۶- بقره- ۲۵، ۶۷- بقره- ۲۵، ۶۸- بقره- ۲۵، ۶۹- بقره- ۲۵، ۷۰- بقره- ۲۵، ۷۱- بقره- ۲۵، ۷۲- بقره- ۲۵، ۷۳- بقره- ۲۵، ۷۴- بقره- ۲۵، ۷۵- بقره- ۲۵، ۷۶- بقره- ۲۵، ۷۷- بقره- ۲۵، ۷۸- بقره- ۲۵، ۷۹- بقره- ۲۵، ۸۰- بقره- ۲۵، ۸۱- بقره- ۲۵، ۸۲- بقره- ۲۵، ۸۳- بقره- ۲۵، ۸۴- بقره- ۲۵، ۸۵- بقره- ۲۵، ۸۶- بقره- ۲۵، ۸۷- بقره- ۲۵، ۸۸- بقره- ۲۵، ۸۹- بقره- ۲۵، ۹۰- بقره- ۲۵، ۹۱- بقره- ۲۵، ۹۲- بقره- ۲۵، ۹۳- بقره- ۲۵، ۹۴- بقره- ۲۵، ۹۵- بقره- ۲۵، ۹۶- بقره- ۲۵، ۹۷- بقره- ۲۵، ۹۸- بقره- ۲۵، ۹۹- بقره- ۲۵، ۱۰۰- بقره- ۲۵، ۱۰۱- بقره- ۲۵، ۱۰۲- بقره- ۲۵، ۱۰۳- بقره- ۲۵، ۱۰۴- بقره- ۲۵، ۱۰۵- بقره- ۲۵، ۱۰۶- بقره- ۲۵، ۱۰۷- بقره- ۲۵، ۱۰۸- بقره- ۲۵، ۱۰۹- بقره- ۲۵، ۱۱۰- بقره- ۲۵، ۱۱۱- بقره- ۲۵، ۱۱۲- بقره- ۲۵، ۱۱۳- بقره- ۲۵، ۱۱۴- بقره- ۲۵، ۱۱۵- بقره- ۲۵، ۱۱۶- بقره- ۲۵، ۱۱۷- بقره- ۲۵، ۱۱۸- بقره- ۲۵، ۱۱۹- بقره- ۲۵، ۱۲۰- بقره- ۲۵، ۱۲۱- بقره- ۲۵، ۱۲۲- بقره- ۲۵، ۱۲۳- بقره- ۲۵، ۱۲۴- بقره- ۲۵، ۱۲۵- بقره- ۲۵، ۱۲۶- بقره- ۲۵، ۱۲۷- بقره- ۲۵، ۱۲۸- بقره- ۲۵، ۱۲۹- بقره- ۲۵، ۱۳۰- بقره- ۲۵، ۱۳۱- بقره- ۲۵، ۱۳۲- بقره- ۲۵، ۱۳۳- بقره- ۲۵، ۱۳۴- بقره- ۲۵، ۱۳۵- بقره- ۲۵، ۱۳۶- بقره- ۲۵، ۱۳۷- بقره- ۲۵، ۱۳۸- بقره- ۲۵، ۱۳۹- بقره- ۲۵، ۱۴۰- بقره- ۲۵، ۱۴۱- بقره- ۲۵، ۱۴۲- بقره- ۲۵، ۱۴۳- بقره- ۲۵، ۱۴۴- بقره- ۲۵، ۱۴۵- بقره- ۲۵، ۱۴۶- بقره- ۲۵، ۱۴۷- بقره- ۲۵، ۱۴۸- بقره- ۲۵، ۱۴۹- بقره- ۲۵، ۱۵۰- بقره- ۲۵، ۱۵۱- بقره- ۲۵، ۱۵۲- بقره- ۲۵، ۱۵۳- بقره- ۲۵، ۱۵۴- بقره- ۲۵، ۱۵۵- بقره- ۲۵، ۱۵۶- بقره- ۲۵، ۱۵۷- بقره- ۲۵، ۱۵۸- بقره- ۲۵، ۱۵۹- بقره- ۲۵، ۱۶۰- بقره- ۲۵، ۱۶۱- بقره- ۲۵، ۱۶۲- بقره- ۲۵، ۱۶۳- بقره- ۲۵، ۱۶۴- بقره- ۲۵، ۱۶۵- بقره- ۲۵، ۱۶۶- بقره- ۲۵، ۱۶۷- بقره- ۲۵، ۱۶۸- بقره- ۲۵، ۱۶۹- بقره- ۲۵، ۱۷۰- بقره- ۲۵، ۱۷۱- بقره- ۲۵، ۱۷۲- بقره- ۲۵، ۱۷۳- بقره- ۲۵، ۱۷۴- بقره- ۲۵، ۱۷۵- بقره- ۲۵، ۱۷۶- بقره- ۲۵، ۱۷۷- بقره- ۲۵، ۱۷۸- بقره- ۲۵، ۱۷۹- بقره- ۲۵، ۱۸۰- بقره- ۲۵، ۱۸۱- بقره- ۲۵، ۱۸۲- بقره- ۲۵، ۱۸۳- بقره- ۲۵، ۱۸۴- بقره- ۲۵، ۱۸۵- بقره- ۲۵، ۱۸۶- بقره- ۲۵، ۱۸۷- بقره- ۲۵، ۱۸۸- بقره- ۲۵، ۱۸۹- بقره- ۲۵، ۱۹۰- بقره- ۲۵، ۱۹۱- بقره- ۲۵، ۱۹۲- بقره- ۲۵، ۱۹۳- بقره- ۲۵، ۱۹۴- بقره- ۲۵، ۱۹۵- بقره- ۲۵، ۱۹۶- بقره- ۲۵، ۱۹۷- بقره- ۲۵، ۱۹۸- بقره- ۲۵، ۱۹۹- بقره- ۲۵، ۲۰۰- بقره- ۲۵، ۲۰۱- بقره- ۲۵، ۲۰۲- بقره- ۲۵، ۲۰۳- بقره- ۲۵، ۲۰۴- بقره- ۲۵، ۲۰۵- بقره- ۲۵، ۲۰۶- بقره- ۲۵، ۲۰۷- بقره- ۲۵، ۲۰۸- بقره- ۲۵، ۲۰۹- بقره- ۲۵، ۲۱۰- بقره- ۲۵، ۲۱۱- بقره- ۲۵، ۲۱۲- بقره- ۲۵، ۲۱۳- بقره- ۲۵، ۲۱۴- بقره- ۲۵، ۲۱۵- بقره- ۲۵، ۲۱۶- بقره- ۲۵، ۲۱۷- بقره- ۲۵، ۲۱۸- بقره- ۲۵، ۲۱۹- بقره- ۲۵، ۲۲۰- بقره- ۲۵، ۲۲۱- بقره- ۲۵، ۲۲۲- بقره- ۲۵، ۲۲۳- بقره- ۲۵، ۲۲۴- بقره